

## درباره ازدواج

<sup>1</sup>اما درباره آنچه به من نوشته بودید، مرد را نیکو آن است که زن را لمس نکند.<sup>2</sup> لکن به سبب زنا، هر مرد زوجه خود را بدارد و هر زن شوهر خود را بدارد.<sup>3</sup> و شوهر حق زن را ادا نماید و همچنین زن حق شوهر را.<sup>4</sup> زن بر بدن خود مختار نیست بلکه شوهرش، و همچنین مرد نیز اختیار بدن خود ندارد بلکه زنش،<sup>5</sup> از یکدیگر جدایی مگزینید مگر مدتی به رضای طرفین تا برای روزه و عبادت فارغ باشید؛ و باز با هم پیوندید مبادا شیطان شما را به سبب نا پرهیزی شما در تجربه اندازد.<sup>6</sup> لکن این را می گویم به طریق اجازه نه به طریق حکم،<sup>7</sup> اما می خواهم که همه مردم مثل خودم باشند. لکن هرکس نعمتی خاص از خدا دارد، یکی چنین و دیگری چنان.<sup>8</sup> لکن به مجرّدین و بیوه زنان می گویم که ایشان را نیکو است که مثل من بمانند.<sup>9</sup> لکن اگر پرهیز ندارند، نکاح بکنند زیرا که نکاح از آتش هوس بهتر است.

## طلاق

<sup>10</sup>اما منکوحان را حکم می کنم و نه من بلکه خداوند؛ که زن از شوهر خود جدا نشود؛<sup>11</sup> و اگر جدا شود، مجرّد بماند یا با شوهر خود صلح کند؛ و مرد نیز زن خود را جدا نسازد.<sup>12</sup> و دیگران را من می گویم نه خداوند؛ که اگر کسی از برادران زنی بی ایمان داشته باشد و آن زن راضی باشد که با وی بماند، او را جدا نسازد.<sup>13</sup> و زنی که شوهر بی ایمان داشته باشد و او راضی باشد که با وی بماند، از شوهر خود جدا نشود.<sup>14</sup> زیرا که شوهر بی ایمان از زن خود مقدّس می شود و زن بی ایمان از برادر مقدّس می گردد و اگر نه اولاد شما ناپاک می بودند، لکن الحال مقدّسند.<sup>15</sup> اما اگر بی ایمان جدایی نماید، بگذارش که بشود زیرا برادر یا خواهر در این صورت مقید نیست و خدا ما را به سلامتی خوانده است.<sup>16</sup> زیرا که تو چه دانی، ای زن، که شوهرت را نجات خواهی داد؟ یا چه دانی، ای مرد، که زن خود را نجات خواهی داد؟

## دعوت خدا

<sup>17</sup>مگر اینکه به هرطور که خداوند به هرکس قسمت فرموده و به همان حالت که خدا هرکس را خوانده باشد، بدینطور رفتار بکند؛ و همچنین در همه کلیساها

<sup>1</sup>Now concerning the things whereof ye wrote unto me: It is good for a man not to touch a woman.<sup>2</sup>Nevertheless, to avoid fornication, let every man have his own wife, and let every woman have her own husband.<sup>3</sup>Let the husband render unto the wife due benevolence: and likewise also the wife unto the husband.<sup>4</sup>The wife hath not power of her own body, but the husband: and likewise also the husband hath not power of his own body, but the wife.<sup>5</sup>Defraud ye not one the other, except it be with consent for a time, that ye may give yourselves to fasting and prayer; and come together again, that Satan tempt you not for your incontinency.<sup>6</sup>But I speak this by permission, and not of commandment.<sup>7</sup>For I would that all men were even as I myself. But every man hath his proper gift of God, one after this manner, and another after that.<sup>8</sup>I say therefore to the unmarried and widows, It is good for them if they abide even as I.<sup>9</sup>But if they cannot contain, let them marry: for it is better to marry than to burn.<sup>10</sup>And unto the married I command, yet not I, but the Lord, Let not the wife depart from her husband:<sup>11</sup>But and if she depart, let her remain unmarried, or be reconciled to her husband: and let not the husband put away his wife.<sup>12</sup>But to the rest speak I, not the Lord: If any brother hath a wife that believeth not, and she be pleased to dwell with him, let him not put her away.<sup>13</sup>And the woman which hath an husband that believeth not, and if he be pleased to dwell with her, let her not leave him.<sup>14</sup>For the unbelieving husband is sanctified by the wife, and the unbelieving

wife is sanctified by the husband: else were your children unclean; but now are they holy.<sup>15</sup> But if the unbelieving depart, let him depart. A brother or a sister is not under bondage in such cases: but God hath called us to peace.<sup>16</sup> For what knowest thou, O wife, whether thou shalt save thy husband? or how knowest thou, O man, whether thou shalt save thy wife?<sup>17</sup> But as God hath distributed to every man, as the Lord hath called every one, so let him walk. And so ordain I in all churches.<sup>18</sup> Is any man called being circumcised? let him not become uncircumcised. Is any called in uncircumcision? let him not be circumcised.<sup>19</sup> Circumcision is nothing, and uncircumcision is nothing, but the keeping of the commandments of God.<sup>20</sup> Let every man abide in the same calling wherein he was called.<sup>21</sup> Art thou called being a servant? care not for it: but if thou mayest be made free, use it rather.<sup>22</sup> For he that is called in the Lord, being a servant, is the Lord's freeman: likewise also he that is called, being free, is Christ's servant.<sup>23</sup> Ye are bought with a price; be not ye the servants of men.<sup>24</sup> Brethren, let every man, wherein he is called, therein abide with God.<sup>25</sup> Now concerning virgins I have no commandment of the Lord: yet I give my judgment, as one that hath obtained mercy of the Lord to be faithful.<sup>26</sup> I suppose therefore that this is good for the present distress, I say, that it is good for a man so to be.<sup>27</sup> Art thou bound unto a wife? seek not to be loosed. Art thou loosed from a wife? seek not a wife.<sup>28</sup> But and if thou marry, thou hast not sinned; and if a virgin marry, she hath not sinned. Nevertheless

امر می‌کنم.<sup>18</sup> اگر کسی در مختونی خوانده شود، نامختون نگردد و اگر کسی در نامختونی خوانده شود، مختون نشود.<sup>19</sup> ختنه چیزی نیست و نامختونی هیچ، بلکه نگاه داشتن امرهای خدا.<sup>20</sup> هرکس در هر حالتی که خوانده شده باشد، در همان بماند.<sup>21</sup> اگر در غلامی خوانده شدی تو را باکی نباشد، بلکه اگر هم می‌توانی آزاد شوی، آن را اولیتر استعمال کن.<sup>22</sup> زیرا غلامی که در خداوند خوانده شده باشد، آزاد خداوند است؛ و همچنین شخصی آزاد که خوانده شد، غلام مسیح است.<sup>23</sup> به قیمتی خریده شدیدی، غلام انسان نشوید.<sup>24</sup> ای برادران، هرکس در هر حالتی که خوانده شده باشد، در آن نزد خدا بماند.

### درباره افراد مجرّد و بیوه زنها

<sup>25</sup> اما دربارهٔ باکره‌ها حکمی از خداوند ندارم. لکن چون از خداوند رحمت یافتم که امین باشم، رأی می‌دهم.<sup>26</sup> پس گمان می‌کنم که بجهت تنگی این زمان، انسان را نیکو آن است که همچنان بماند.<sup>27</sup> اگر با زن بسته شدی، جدایی مجوی و اگر از زن جدا هستی دیگر زن مخواه.<sup>28</sup> لکن هرگاه نکاح کردی، گناه نورزیدی و هرگاه باکره منکوحه گردید، گناه نکرد. ولی چنین در جسم زحمت خواهند کشید، لیکن من بر شما شفقت دارم.<sup>29</sup> اما، ای برادران، این را می‌گویم وقت تنگ است تا بعد از این آنانی که زن دارند مثل بیزن باشند<sup>30</sup> و گریبانان چون ناگریبانان و خوشحالان مثل ناخوشحالان و خریداران چون غیرمالکان باشند،<sup>31</sup> و استعمال کنندگان این جهان مثل استعمال کنندگان نباشند، زیرا که صورت این جهان درگذر است.<sup>32</sup> اما خواهش این دارم که شما بیاندیشید. شخص مجرّد در امور خداوند می‌اندیشد که چگونه رضامندی خداوند را بجوید؛<sup>33</sup> و صاحب زن در امور دنیا می‌اندیشد که چگونه زن خود را خوش بسازد.<sup>34</sup> در میان زن منکوحه و باکره نیز تفاوتی است، زیرا باکره در امور خداوند می‌اندیشد تا هم در تن و هم در روح مقدّس باشد؛ اما منکوحه در امور دنیا می‌اندیشد تا شوهر خود را خوش سازد.

<sup>35</sup> اما این را برای نفع شما می‌گویم نه آنکه دامی بر شما بنهم بلکه نظر به شایستگی و ملازمت خداوند، بی تشویش.<sup>36</sup> لکن هرگاه کسی گمان برد که با باکره

such shall have trouble in the flesh: but I spare you.<sup>29</sup> But this I say, brethren, the time is short: it remaineth, that both they that have wives be as though they had none;<sup>30</sup> And they that weep, as though they wept not; and they that rejoice, as though they rejoiced not; and they that buy, as though they possessed not;<sup>31</sup> And they that use this world, as not abusing it: for the fashion of this world passeth away.<sup>32</sup> But I would have you without carefulness. He that is unmarried careth for the things that belong to the Lord, how he may please the Lord:<sup>33</sup> But he that is married careth for the things that are of the world, how he may please his wife.<sup>34</sup> There is difference also between a wife and a virgin. The unmarried woman careth for the things of the Lord, that she may be holy both in body and in spirit: but she that is married careth for the things of the world, how she may please her husband.<sup>35</sup> And this I speak for your own profit; not that I may cast a snare upon you, but for that which is comely, and that ye may attend upon the Lord without distraction.<sup>36</sup> But if any man think that he behaveth himself uncomely toward his virgin, if she pass the flower of her age, and need so require, let him do what he will, he sinneth not: let them marry.<sup>37</sup> Nevertheless he that standeth stedfast in his heart, having no necessity, but hath power over his own will, and hath so decreed in his heart that he will keep his virgin, doeth well.<sup>38</sup> So then he that giveth her in marriage doeth well; but he that giveth her not in marriage doeth better.<sup>39</sup> The wife is bound by the law as

خود ناشایستگی می‌کند، اگر به حد بلوغ رسید و ناچار است از چنین شدن، آنچه خواهد بکند؛ گناهی نیست؛ بگذار که نکاح کنند.<sup>37</sup> اما کسی که در دل خود پایدار است و احتیاج ندارد بلکه در اراده خود مختار است و در دل خود جازم است که باکره خود را نگاه دارد، نیکو می‌کند.<sup>38</sup> پس هم کسی که به نکاح دهد، نیکو می‌کند و کسی که به نکاح ندهد، نیکوتر می‌نماید.

### بیوه‌ها

<sup>39</sup> زن مادامی که شوهرش زنده است، بسته است. اما هرگاه شوهرش مرد آزاد گردید تا به هرکه بخواهد منکوحه شود، لیکن در خداوند فقط.<sup>40</sup> اما بحسب رأی من خوشحالت‌تر است، اگر چنین بماند و من نیز گمان می‌برم که روح خدا را دارم.

long as her husband liveth; but if her husband be dead, she is at liberty to be married to whom she will; only in the Lord.<sup>40</sup> But she is happier if she so abide, after my judgment: and I think also that I have the Spirit of God.